

محمد حسین بهجتی ترجمه از یک مقاله مختارات جراحی  
 زیدان، با افزودن مطالبی سودمند و گفته  
 هائی از پیشوایان دین و بزرگان علم و ادب

## حقیقت آدمی در پشته سه پرده

- «توان شناخت بیک روز در شام تل مرد»
- «که تا کجاش رسیده است پایگاه علوم»
- «ولی ز باطنش ایمن مباحث و غره مشو»
- «که خبث نفس نکرده بسالها معلوم»

سعدی

شناختن حقیقت آدمی کاری آسان نبوده و باین زودبها این راز  
 سر بمهر فاش نمیشود در عرب مثالی مشهور است کسه میگویند:  
**قلوب الرجال صنادیق مقللة، مفاتيحها التجارب** دل انسان صندوقدر  
 بسته ای است که کلید آن تجربه های فراوان است  
 شناسائی و واقعیت دیگران در زندگی دل مهمی را بازی کرده،  
 در داد و ستد و رفت و آمدها نقش بسیار موثری را دارا است. با فهمیدن  
 این راز دشوار از خطرات بسیار و گرفتاریهای بیشماری ایمن خواهیم  
 شد. اگر همکار، رفیق، شریک، دوست؛ نامزد، طرف معامله خود را

آنچنانکه هستند بشناسیم بدام فریب کمتر افتاده و کمتر دست ظلم و اجحاف آرامش خیال مارا بهم خواهد زد .  
 بسیاری از هوشمندان و خوش ذوقهای جهان با کمک حدس صائب و فراست خدادادی خواسته اند از دریچه قیافه اشخاص ، راهی بظلمتکده باطن آنها باز کنند و در این زمینه مطالعاتی کرده ، کتابهایی راجع بقیافه شناسی نوشته اند . اما نتوانسته اند به هدف دلخواه خود برسند . زیرا خطا و تخلف علائمی که ذکر کرده اند بسیار است .

حقیقت آدمی در پرده های تاریک و ضخیمی پوشیده شده که جز آمیزش طولانی نمیتواند آن حجابها را بدرود واقع را آنچنانکه هست روشن و بی غبار بمانشان بدهد . ما پس از سالها معاشرت ، درست را از نادرست و امین را از خائن بازمی شناسیم و بالاخره برای خود دوست و یا شریک اختیار میکنیم اما بسیاری از ساعات پر ارزش عمر ما ضایع میشود .

اکثر مردم تنها بظواهر اشخاص اتکا میکنند . در صورتیکه اغلب این ظواهر فریبنده با باطن آنها هم رنگ و یکسان نیست . مخصوصا در میان مردمی که عادت بدروغ کرده و ریا و مکر و دورویی و نفاق شیوه عمومی آنها شده است ، ظاهر خوب هیچ گونه دلالتی بر خوبی باطن ندارد .

پیشوای راستان امام صادق علیه السلام که بنیروی دانش و نفوذ بینش خود حقیقت آدمی را شناخته و از واقعیتهای افراد مطلع است چنین میفرماید

اذا كان الزمان زمان جور و اهله اهل غدر فالطمأنينة الي كل احد عجز (۱) هنگامی که دوران ، دوران ظلم و فشار گشته ، محیط ، آلوده و مردم نیرنگباز و متقلب باشند خوشباوری و خوشبینی بهر کس خطاست . در چنین

زمانی اطمینان بهر کسی دلیل بر عجز عقلی و کوتاهی فکری انسان است. بادر نظر گرفتن حالات مردم میتوانیم برای هر کس سه حجاب فرض کنیم که پشت هر حجابی شخص با مظهر مخصوصی جلوه کرده و هر چه حجابها بعقب بزنیم بیشتر بقیافه واقعی او نزدیک میشویم بطوریکه پس از برداشتن هر سه پرده و پیمودن این سه مرحله یا بحقیقت شخص رسیده و یا خیلی بآن نزدیک شده ایم.

### مرحله اول

ما شخصی را که هیچ وقت ندیده ایم از هر جهت برای ما مجهول است و حقیقت او فرسنگها از فکر ما دور بوده از چشم مادر پس سد حجاب مستور است. با برخورد های اولیه یکی از این حجابها برداشته میشود و نیم گام در این راه دوری که تا بحقیقت او داریم ممکن است برداشته شود.

در این مرحله ماقیافه، قامت، رنگ، لباس، طرز نشستن و بر خاستن و سایر ظواهر خارجی او را می بینیم.

البته ممکن است از همین جایی بیاطن او بپریم و همه این مسافت طولانی را نیم گام کنیم و اتفاقاً بحقیقت او برسیم. اما این اتفاق، خیلی نادر است. با اینهمه ما بسیاری از مردم را می بینیم که در همین مرحله توقف کرده، با دیدن ظاهر شخص، راه دوستی یا باب معامله را با او بازمی کنند. کوئی در اولین برخورد میخواهند فرست بخرج داده، دو پرده دیگر را عقب نزده ادعا کنند که بحقیقت این شخص رسیده ایم ولی، اغلب، حدس آنها بخطر رفته و میوه تلخ تعجیل خود را می چشند و انگشت ندامت بدنندگان میزنند.

تعجب اینجاست که با اینکه در امر زنا شویی بیش از هر چیز کنجکاوی و تفحص لازم است باز باین ظواهر تکیه میشود. بسیاری تحقیق نکرده فریب ظاهر را میخورند و وقتی خبردار میشوند که در دریائی از بدبختی گرفتار شده اند. و از اینجاست که اینهمه نزاع و کدورت و کشمکش در خانواده ها دیده میشود، روز بروز بر عده طلاق افزوده شده و از سازش و صلح و صفای خانوادگی کاسته میگردد. این بدبختان تنها دنبال جمال را گرفته و فکر نکرده اند که در پشت این قیافه زیبا و دلپسند چه صفات و اخلاقی قرار گرفته است.

اینجاست که باز بارزش و عمق احکام جاودانی اسلام پی میبریم که بما دستور میدهد که تنها نظر خود را بجمال ندوزید. صفات روحی، اخلاق، اندیشه، ریشه خانوادگی، احساس و عاطفه، تسلیم و رضا، دین و ایمان زن را نیز در نظر بگیرید. بررسیهای لازم و همه جانبه را بکنید و آنگاه باز دواج اقدام نمائید.

اسلام میگوید: از گلپای هرزه که ریشه خود را در منجلا ب فرو برده و در مراکز آلوده نشو و نما کرده اند سخت پرهیزید.

با دخترانیکه قیافه ای زیبا و پاکیزه، اما باطنی پلید و زشت و روحی تیره و دلی هوسباز دارند زنا شویی نکنید و همچنین دختران معصوم خود را بمردان هرزه و خودخواه و بی دین ندهید.

یکی از دانشمندان میگوید دختران خوش سیمائی که بی بند و بار و ناسازگار و بوالهوسند درست مثل گلپای خرزهره اند، از دور دل می برند و خود نمائی میکنند، اما مصاحبت با آنها باعث درد سر شده زندگانی را بر آدمی تلخ میسازد. دین اسلام در موضوع ازدواج بیشتر از سایر موضوعات

بررسی و تحقیق و تفحص را لازم دانسته است اما متأسفانه در يك چنین امر مهم و حیاتی باز اغلب مردم بظواهر خارجی اکتفا کرده قدمی در راه تشخیص روحیات و باطن افراد بر نمیدارند .

بناجوانی که بادیدن يك دوشیزه زیبا در اولین برخورد دل میبازد و جمال فریبنده او را قبله خود می کند . از قامت موزون ، صدای دلنشین و لطیف ، چهره نازک و کلرنگ او خوشش آمده با او زندگی اجتماعی خود را آغاز میکند ، او را شريك هستی و همدم جوانی و محرم اسرار خود مینماید در حالیکه هنوز بیش از يك پرده از روی حقیقت او بکنار نزده است و بسا امکان دارد که با عقب زدن دو حجاب دیگر فکرش عوض شده ، پیش از گرفتاری و پشیمانی بداد خود برسد .

برای دوشیزگان نیز همین امر بسیار اتفاق میافتد. جوانی بلند بالا ، خوش سیما ، متین ، نرم گفتار با چهره ای پرشکوه و لبی پر تبسم و چشمی پرفروغ بخواستگاری آنها میآید آنها بدون فکر او را پذیرفته و او را از مردان برجسته و لایق باز نمی شناسند در صورتیکه هنوز دو پرده سیاه روی حقیقت او را گرفته است .

از ازدواج بگذریم چه آنکه در صحنه زناشویی محبت و علاقه اثری شگفت داشته و این بازیگر زبر دست جادوها و چشم بندیها دارد چنانکه چشم دوست را از دیدن عیوب محبوب کور می کند بلکه عیب او را هنر جلوه میدهد .

در سایر کارهای مردم نیز قیافه و ظواهر اثر بسیاری دارد مخصوصاً مردم ساده که هنوز بشیوه دیرین باقی هستند . آنچه در پیشانی و کمر و لباس آنها در

هنوز عامه مردم از ساده لوحی و زودباوری که یادگاری از ادوار

پیشین است دست نکشیده اند. کوئی عقل آنها در چشمشان جای دارد که فقط ظاهر را می بینند و کمتر بعمق مطالب می نگرند. در اغلب موارد حتی در کارهای مهم بظاهر اتکاء دارند. در اختیار پیشوا، آموزگار، رئیس، نماینده قیافه روشن و چرب زبانی شخص را در نظر میگیرند. بسیاری از عوام را می بینیم که امام جماعت یا پیشوای مذهبی خود را چنین میستایند که راستی آقالیافت پیشوائی را دارد؛ زیرا خوش صورت است، ریش انبوه و آراسته ای دارد، آنقدر دستش نرم و نورانی است که در خور بوسیدن و احترام است، موقع صحبت با شرم و حیا صحبت کرده جانب همه مریدان را نگاه میدارد. یا میشنویم که بیک گوینده مذهبی ارادت میورزند برای اینکه خوش صوت یا پشت هم انداز است مطالب را محکم و مسلسل ادا میکند ما کمتر میشنویم که گوینده یا پیشوائی را بوسعت علم و اصابت فکر و دقت در امور و متانت رأی بستانند یا او را بدین سبب بر دیگران مقدم دارند. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

عجب اینجاست که حتی بسیاری از خردمندان هم که خود را روشن میدانند قضاوتهای خود را در باره دیگران بر پایه ظواهر میگذارند و روشن است که تکیه کردن بر ظواهر از خطر و گرفتاری خالی نیست در این ردیف است شهرتی که برای اشخاص مختلف در رشته های گوناگون وجود دارد. وقتی یکی از مشاهیر را می بینیم بسیار باو احترام گذاشته، در برابر او خود را خاضع و بیچاره می بینیم اما پس از برطرف شدن دو پرده دیگر از آن پایگاهی که دست شهرت در عالم خیال برای او برافراشته است بسی پائینتر و نازلتر است.

و از اینجاست که عربها میگویند : (رب شهرة لاصل لها) این مثل پارسی نیز در این زمینه مشهور است : «آواز دهل شنیدن از دور خوش است» تأثیر شهرت در نفس آدمی با اندازه‌ای قوی است که اگر يك شعر ساده و عاری از لطافت را یکی از شعرای مشهور نسبت دهند باحظ و التذان بدان گوش داده، محسنات بسیاری در آن می بینیم اما اگر يك شاهکار ادبی که از بدایع و لطایف سرشار باشد با اعتقاد اینکه اثر یکی از عوام مردم است بخوانیم در دل ما شوروی ایجاد نکرده و گاهی آن را بر کاکت معنی و ابتذال لفظ نسبت میدهیم

### مرحله دوم

پس از دیدن قیافه و ظاهر شخص و برخورد های اولیه وقتی رفتند بسخنان او گوش دادیم بحقیقت او نزدیکتر شده و دوبرده از حجابها بکنار میرود

پیشوای عالیقدر اسلام (ع) میفرماید : تکلموا تعرفوا ان المرء مخبوء تحت لسانه

حضرت علی علیه السلام فصل بزرگی از کتاب روانشناسی را در این دو کلمه خلاصه کرده است و دیگران از این دریای موج جرعه‌ای نوشیده و از این کانون گرم ؛ شعله ای بر گرفته اند . مولوی شاعر روانشناس ایران گوید

آدمی مخفی است در زیر زبان	این زبان پرده است بر اسرار جان
چونکه بادی پرده را در هم کشید	سر و صحن خانه شد بر ما پدید
کاندر آن خانه گه بریا کندم است	کنج زریا جمله مار و کژدم است
اسکار و ایلد میگوید :	

«هرگز این سفسطه را نپذیرید که کردار مردوزن را در چشمانشان میتوان دید. بستترین آدمهایی را که شناخته‌ام آنها بوده‌اند که دیدگان زیبایشان بامهر بانی مرا نگریسته‌است به پندار من آدمهارا از روی دهانشان میتوان شناخت و بهمین سبب کوشیده‌ام که دهان خود را با بستن بیوشانم، البته گفتاری که پردهٔ دوم را عقب میزند غیر از صحبت‌های روزانه است، بلکه گفتاریست احتیاج بغور و تأمل و عقل و تفکر دارد، مثل قضاوت در امور و مذاکرات اجتماعی و نحوه فراموش نشود که اگر در مرحلهٔ گفتار کسی موقع شناس و درست اندیش باشد در عین حال دارای مزیت جمال هم باشد بر شخص هم پایهٔ خودش که نازیبا و بد قیافه است تفوق خواهد داشت چه آنکه جمال و زیبایی خود یکی از محسناتی است که نمیتوان از آن چشم‌پوشید

گرچه در این مرحلهٔ دوم بسیاری از اسرار فاش میشود اما باز واقع را آنچنان که هست همواره بمانشان نمی‌دهد زیرا بعضی از مردم بقدری خویشتن دار و نیرنگ‌بازند که میتوانند هفته‌ها و ماهها حقیقت خود را در لفافهٔ گفتار زیبا جلوه دهند و صفات درونی خود را در پردهٔ ریا و سالوس از نظر شخص کنج‌کاو بپوشند. با این وصف بیشتر مردم وقتی باین مرحله میرسند توقف میکنند وقتی یک دوشیزه، جوانی آراسته را دید یا یک جوان، دوشیزهٔ رعنائی را دید از راه معاشرتهای سطحی یا کسب اطلاع فهمید که آداب معاشرت را میداند و ادب در صحبت دارد این امر را دلیل بر خردمندی و معرفتش گرفته برای همسری او را می‌پذیرد

### مرحله سوم

پس از دیدن قیافه و دقت در گفتار شخص آخرین قدمی که باستان



حقیقت او برداشته میشود و در آنجا صفات درونی او را بی پرده میتوان دید معاشرتهای طولانی و داد و ستد است بزرگترین بیان کننده حقائق، امام صادق علیه السلام در این زمینه با چند جمله کوتاه و دلنشین حق مطلب را کاملاً ادا کرده است میفرماید:

«من عامل الناس فلم یظلمهم و حدیثهم فلم یکنذبهم و وعدهم فلم یخلفهم کان ممن حرمت غیبتہ و کملت مروته و ظهر عدله و وجبت اخوته». (۱) آنکس که در هنگام معامله، بمردم کوچکترین ستم روا نداشته با انصاف و وجدان رفتار میکند و در هنگام سخن گریز و دروغ نمیگردد و هنگامیکه وعده داد از وعده خود بهیچ وجه تخلف نمی‌ورزد غیبت این چنین شخص درستکار حرام و جوانمردیش تمام است عدالت او آشکار و اخوت با او بر مردم واجب است آری بهترین نماینده صداقت و امانت و زرنگی مرد همان دادوستد است زیرا در معاملات بالاخره راستی و درستی و دروغ و تقلب شخص ظاهر میگردد. اما روی هم رفته برای کشف همه صفات و طبایع شخص جائی بهتر از خانه سراغ نداریم زیرا در زندگی زناشویی حقیقت مرد وزن هر چه باشد بهتر از هر جای بروی صحنه میآید از شیوه رفتار مرد با زن و فرزند، پدر و مادر، برادر و خواهر خوب روشن میشود که تندخو یا مایلیم است جوانمرد یا پست فطرت است، سخاوتمند یا بخیل است، باتدبیر یا بی تدبیر است. بسیاری از اشخاص را میشنویم که حسن خلق آنها زبان زد مردم است اما وقتی بخانه آنها سر میزنیم اثری از صفا و اخلاق نیک در آنجا نمی بینیم در خانه تند و عصبانی و ترش رو هستند با افراد خانواده خود بد رفتاری و غلظت رو برو میشوند. کسانی هم پیدا میشوند که برعکس در خانه خوش اخلاق و بردبارند اما در خارج تند و بداخلاقند و در هر حال آنچه در خانه از شخص ظهور میکند بحقیقت او نزدیکتر است.